

اقتصاد سیاسی راه ابریشم جدید چین و وابستگی متقابل ایران

سپیده محمدی^۱، مختار صالحی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

چکیده:

استراتژی راه ابریشم جدید، مدلی از توسعه و سرمایه‌گذاری چین است که کشورها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی را شامل می‌شود. این طرح در نظر دارد با تقویت اتصال بین قاره‌ای و ایجاد زیرساخت‌های لازم، همکاری منطقه‌ای و جهانی را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترش دهد. ایران به واسطه موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود می‌تواند، نقش مهمی ایفاء کند. پرسش اصلی پژوهش این است که ابتکار راه ابریشم جدید چه تاثیری بر آینده روابط ایران و چین می‌گذارد؟ بنا بر فرضیه به نظر می‌رسد، با توجه به نیاز ایران به یک متحد سیاسی در سطح بین‌الملل در چارچوب سیاست نگاه به شرق روابط دو کشور به سمت وابستگی متقابل اقتصادی گسترش پیدا کرده و بر سطح روابط راهبردی طرفین تاثیر عمیقی برجای می‌گذارد. ماهیت این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و منابع و اطلاعات مرتبط با موضوع به روش کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. همکاری متقابل ایران و چین در چارچوب نظریه وابستگی متقابل به بحث گذاشته می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، در صورت فقدان استراتژی مناسب در شیوه همکاری ایران با چین، ماهیت این طرح ممکن است از سطح وابستگی متقابل متقارن به وابستگی متقابل نامتقارن در راستای منافع کلان چین تبدیل شود.

واژگان اصلی: راه ابریشم جدید، وابستگی متقابل، توسعه چین، توافق بیست و پنج ساله ایران.

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

طرح ابتکار راه ابریشم جدید چین برای این کشور مسیر ادغام اقتصاد خود با اقتصاد جهان و همزمان متصل کردن اقتصاد دیگر کشورها به اقتصاد چین را هموار می‌کند. برای همه کشورها چگونگی همکاری با چین در این طرح موضوع مهمی است. برخی ها این طرح را یک طرفه و وابسته کردن اقتصاد کشورها به چین می‌دانند. برخی در مقابل آن را راه گریز برای کشورهایی می‌دانند که برای توسعه اقتصاد نیازمند یک مسیر تازه هستند. برای برخی نیز این طرح همزمان دارای مزایا و مضراتی است که باید توأمان دیده شوند. لذا، اگر برای نحوه همکاری با چین برنامه ریزی و راهبرد مشخصی نباشد نمی‌توان از آن برای توسعه اقتصادی بهره لازم را برد. این مقاله بر اساس دیدگاه سوم بنا شده است.

محور سیاست خارجی چین به رهبری شی جین پینگ^۱ با توجه به ماهیت نظام بین‌الملل که بر همکاری، اشتراک منافع، تحول در نوع کنشگران و شیوه تعاملات آن‌ها با یکدیگر تاکید دارد، بر اساس پروژه قدرت نرم قابل تبیین است. پکن ابزار لازم برای پیشبرد این سبک از قدرت را با توجه به دیپلماسی اقتصادی، ایجاد نظم نوین منطقه‌ای و جهانی و استراتژی گفتگو در چارچوب طرح فوق دنبال می‌کند. این استراتژی به طور خاص در راستای افزایش گستره اقتصادی و بازیابی جایگاه گذشته چین در عرصه جهان و ادغام اقتصادی کشورهای دیگر در اقتصاد چین است. در این مقاله به این نکته پرداخته می‌شود که ابتکار راه ابریشم جدید چه تاثیری بر آینده روابط ایران و چین می‌گذارد؟ بنابر فرضیه مقاله، با توجه به نیاز ایران به یک متحد سیاسی در سطح بین‌الملل در چارچوب سیاست نگاه به شرق روابط دو کشور به سمت وابستگی متقابل اقتصادی گسترش پیدا می‌کند و همچنین بر سطح روابط راهبردی طرفین تاثیر عمیقی برجای می‌گذارد. برای بررسی موضوع در ابتدا به ابتکار راه ابریشم جدید پرداخته می‌شود. سپس به مؤلفه‌های همکاری ایران و چین اشاره می‌شود و در پایان به برخی از چالش‌های مهم فرا روی همکاری طرفین در چارچوب طرح فوق اشاره می‌شود.

۱. چارچوب نظری: مدل وابستگی متقابل

مفهوم وابستگی متقابل با پایان جنگ سرد و اولویت یافتن همکاری‌های اقتصادی در روابط بین‌الملل در قالب نظریه اندیشمندانی همچون جیمز روزنا^۲، روزکرانس^۳، جوزف نای^۱ و رابرت کوهن^۲ مطرح

¹ Xi Jinping

² James Rosenau

³ Rosencrance

گشت. هدف این نظریه پردازان از ارائه این نوع مدل از وابستگی از یک سو تبیین کاهش کارایی قدرت نظامی در روابط بین‌الملل و از سوی دیگر گسترش همکاری بین دولت‌ها برای رسیدن به دنیای با ثبات و دارای امنیت است (آدمی، ۱۳۸۹: ۱۱). وابستگی متقابل از منظر کوهن ونای به وضعیتی اطلاق می‌شود که توسط نیروهای خارجی به وجود می‌آید یا از آن تأثیر می‌پذیرد (واعظ مهدوی، ۱۳۷۵: ۸۲-۸۱).

هدف اصلی در این نظریه این بود که با طرح نگرش جدید اعلام کنند چارچوب فکری واقع‌گرایانه تنها چارچوبی نیست که بتوان روابط بین‌الملل را براساس آن توضیح داد (حسینی و سنائی، ۱۳۹۸: ۱۲۴). از نظر کوهن و نای ماهیت روابط بین‌الملل تغییر یافته و دولت‌ها تنها بازیگران صحنه بین‌المللی نیستند و بازیگران جدیدی نیز در کنار آن‌ها به ایفای نقش می‌پردازند. در این شرایط همه بازیگران عرصه روابط بین‌الملل از جمله کشورها و بازیگران غیردولتی نظیر سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی به نوعی به یکدیگر وابسته‌اند و روابط میان آن‌ها براساس همکاری و رقابت مشخص می‌شود و قواعد بازی دیگر بازی با حاصل جمع صفر نیست، بلکه برد و باخت برای هر دو طرف معنا می‌یابد (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۶).

در مدل وابستگی متقابل منابع قدرت از طریق مفهوم وابستگی متقارن و نامتقارن به یکدیگر پیوند می‌خورد. کوهن ونای وابستگی متقابل نامتقارن را به عنوان منبع قدرت برای کنترل منابع و یا ظرفیت تأثیرگذاری بر نتایج به عنوان یک ابزار قدرت برای چانه زنی می‌دانند (قوام و اعلائی، ۱۳۹۰: ۱۴). این دو نظریه پرداز برای درک بهتر این موضوع بر دو مفهوم حساسیت و آسیب‌پذیری تأکید دارند و معتقدند که پیچیدگی روابط میان بازیگران آن‌ها را به اقدامات یکدیگر حساس و آسیب‌پذیر می‌نماید. به کلامی دیگر هزینه‌ای که بازیگران از این رهگذر متحمل می‌شوند بسته به میزان قدرت طرفین و وابستگی آن‌ها متفاوت است (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۱۸).

طبق کارکرد وابستگی متقابل همکاری ایران و چین در طرح کمربند-راه می‌تواند در شکل‌گیری و استحکام روابط استراتژیک میان دو کشور موثر باشد. زیرا از یک سو ایران از نقش منطقه‌ای و بین‌المللی چین برای تقویت جایگاه خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی بهره‌مندی می‌برد و از سوی دیگر چین نیز از نقش ایران به عنوان یک متحد امن در راستای تأمین انرژی و حفظ منافع در خاورمیانه استفاده می‌کند.

¹ Josephs Nye

² Robert Keohane

۲. مقدمه‌ای بر ابتکار راه ابریشم

استراتژی راه ابریشم جدید که از آن به عنوان پروژه قرن یاد می‌شود، اولین و بزرگترین گام چین در ترسیم استراتژی خود در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در خارج از مرزها است. در واقع پکن تمایل دارد از طریق این ابتکار زنجیره ای از پروژه‌های زیرساختی از بزرگترین کریدور اقتصادی جهان ایجاد کند. طرحی که جمعیتی در حدود ۴/۴ میلیارد نفر و درآمد اقتصادی به میزان ۲۱ تریلیون دلار را پوشش می‌دهد (زرقانی و اسکندران، ۱۳۹۵: ۱۰۸). در سپتامبر ۲۰۱۳ رئیس جمهور شی جین‌پینگ اصطلاح راه ابریشم قدیم را که شبکه‌ای گسترده از مسیرهای بازرگانی و تجاری بود، طی سفر به کشورهای آسیای مرکزی برای نخستین بار در دانشگاه نظریاف^۱ قزاقستان در چارچوب ابتکار کمربند اقتصادی راه ابریشم مطرح نمود. محدوده جغرافیایی این مسیر زمینی در امتداد دو محور قرار دارد؛ مسیر شمالی از غرب چین (از طریق سین کیانگ^۲) به قزاقستان، روسیه و شمال اروپا و مسیر جنوبی از غرب چین (سین کیانگ) به قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و سپس از طریق ایران و ترکیه به جنوب اروپا منتهی می‌شود (Leverett and Bingbing, 2017: 125).

پکن در کمربند اقتصادی به توسعه زیرساخت، بهبود همگرایی‌های منطقه‌ای، کمک به کشورهای اوراسیایی به ویژه آسیای مرکزی و افزایش تجارت و رشد اقتصادی تاکید دارد و شش کریدور اقتصادی بین‌المللی با مجموع سرمایه‌گذاری ۸۹۰ میلیارد دلار برای این طرح در نظر گرفته است (Rumi, 2016: 7).

ایده دوم تحت عنوان، راه ابریشم دریایی قرن بیست و یکم، یک ماه بعد در اندونزی توسط رئیس جمهوری چین مطرح گشت. این مسیر دریایی عمدتاً، جنوب شرقی، جنوب و شمال آسیا را هدف قرار داده و از ساحل چین به اروپا از طریق دریای جنوبی و اقیانوس هند به اقیانوس آرام امتداد می‌یابد (Swaine, 2015: 2). پکن در نظر دارد از طریق مسیر دریایی سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای را در زمینه حمل و نقل، انرژی و خطوط لوله نفت و گاز در راستای ذخایر ارز خارجی خود انجام دهد تا از این طریق تنش تجاری چین با جهان غرب را کاهش دهد (Blanchard and Flint, 2017: 229).

طرح کمربند اقتصادی راه ابریشم و راه ابریشم دریایی به نوعی مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند و نمی‌توان این دو بخش را جدا از هم دید. به همین ترتیب، مقامات چینی در سال ۲۰۱۵ دو طرح مذکور را

¹Nazarbayev

² Xinjiang

تحت عنوان ابتکار کمربند-راه نام گذاری کرده‌اند که یک پروژه زیربنایی فراملی با هدف پایه‌ریزی برای اقتصاد جهان است. طرحی که حتی برخی از رسانه‌ها و مقامات چینی در حد یک طرح مارشال چینی در نظر می‌گیرند (صالحی، ۱۳۹۸: ۲۰). در همین راستا، این اعتقاد وجود دارد که این طرح فرصت‌های قابل توجهی را برای توسعه کشورهای فقیر، در حال توسعه و همچنین مناطق توسعه یافته اروپا ایجاد می‌کند (ژیانگ بو و ز ژوانگ، ۱۳۹۸: ۱۵۰).

۳. اهداف چین در ابتکار راه ابریشم

چین اهداف ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خود در ابتکار راه ابریشم را بر اساس حوزه‌های پنج‌گانه همکاری دنبال می‌کند، اما در کنار آن اهداف متفاوت‌تری را نیز در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی جستجو می‌کند. در ادامه اهداف چین به بحث گذاشته می‌شود.

۱-۳. سطح ملی

اصل حاکمیت و تمامیت ارضی اساس مهم سیاست خارجی کشورها است. استان سین کیانگ با واقع شدن در بخش غربی چین و برخورداری از بیشترین ذخایر طبیعی است که چین را به روسیه و دیگر کشورهای آسیای مرکزی پیوند می‌دهد. بر همین اساس توسعه صنعت انرژی در سین کیانگ علاوه بر امنیت انرژی چین در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه نیز حائز اهمیت است (سجادپور و پورقربان نیاکي، ۱۳۹۷: ۶۶). اما این منطقه به دلیل اختلافات قومی و مذهبی و جدایی طلبان ایغور به یکی از کانون‌های آسیب پذیر برای چین تبدیل شده است و این نگرانی را برای این کشور ایجاد نموده که قدرت‌های خارجی می‌توانند از تمایلات جدایی طلبانه در بین اقلیت‌های قومی در این منطقه برای بی‌ثبات نمودن چین استفاده کنند (Habova, 2015: 66).

چین با ابتکار فوق، عمل دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ نخست، افزایش توسعه اقتصادی و توازن مناطق غربی چین؛ در واقع، سین کیانگ به لحاظ موقعیت ترانزیتی و مزیت‌های اقتصادی در سطح پایینی قرار دارد و پکن راه ابریشم و ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل را پاسخی برای توسعه مناطق غربی خود و آسیای مرکزی می‌داند (Sarvari and Szeidoritz, 2018: 117). کریدور اقتصادی چین-پاکستان نمونه‌ای از این اقدامات است که با اتصال بندر گوادر^۱ به کاشغر^۱ پایه

^۱ Gwadar

ریزی شده است که مسیرهای تجاری جدیدی را برای این منطقه به ارمغان می‌آورد. هدف دیگر کاهش ناآرامی‌ها در استان سین کیانگ و تبت است. در حالی که پکن قادر به کنترل جنبش‌های تجزیه طلب در هر دو منطقه خودمختار است. اما این ناآرامی‌ها می‌تواند سوطن نسبت به چین در نیروهای ضد چینی در خارج از کشور را تقویت کند و در نتیجه بر سیاست خارجی چین تاثیر بگذارد (Yang, 2010: 144). چین امیدوار است از طریق این ابتکار و همکاری کشورهای واقع در مسیر به ویژه کشورهای آسیای مرکزی به مبارزه با افراط گرایی، تروریسم به ویژه تجزیه طلبی در استان سین کیانگ خاتمه دهد.

۲-۳. سطح منطقه‌ای

قاره آسیا با توجه به رشد سریع اقتصادی و جایگاه آن در زنجیره صنعتی جهان به عنوان بازیگر مهم در صحنه بین‌الملل تبدیل شده است. در حال حاضر چین از بازیگران اصلی در آسیا محسوب می‌شود. دیدگاه استراتژیک چین نسبت به کشورهای آسیایی و خاورمیانه در قالب دستیابی به هژمون، تامین امنیت انرژی و مقابله با قدرت‌های بزرگ در مناطق حوزه نفوذ خود است و تمایل دارد از طریق بهبود ارتباطات بین منطقه‌ای، نفوذ سیاسی خود را در این مناطق تقویت کند. بدین ترتیب ابتکار کمربند-راه به عنوان اهرم و نفوذ اقتصادی این کشور در جهت گسترش تعاملات و تعمیق روابط مثبت و سازنده مشاهده می‌شود. در ورای این استراتژی جدید، چین می‌تواند نوعی از حاکمیت خودکامگی چینی را بر نظم آسیایی در حال تکامل ایجاد نماید (صالحی، ۱۳۹۸: ۲۰۴).

۳-۳. سطح جهانی

چین با توجه به ابزارهای سیاسی و اقتصادی خود در استراتژی راه ابریشم جدید در صدد است از آن برای دستیابی به جایگاه رهبری جهان بهره برد. به طور مستقیم بسیاری از عناصر ابتکار کمربند-راه از استراتژی امنیت ملی چین پشتیبانی می‌کند. در سطح کلان این سازمان می‌کوشد نظم اقتصادی جهان را از راه‌های مناسب برای دستیابی پکن به وضعیت قدرت بزرگ تغییر شکل دهد (Nantulya, 22March, 2019). چین از یک سو در تلاش است از طریق ابتکار عمل، اقتصاد خود را با اقتصاد جهان پیوند زند و نقش خود را به عنوان یک ذینفع مسئول در توسعه جهانی تثبیت کند و از سوی دیگر با همکاری با کشورهای مقصد وزن سیاسی خود را در مجامع بین‌المللی بالا ببرد (صالحی، ۱۳۹۸: ۲۰۴). در واقع چین قصد دارد با تقویت نفوذ سیاسی در نظام بین‌الملل به زعم خود نظم عادلانه و عقلانی را ایجاد کند. چین

برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود به دنبال تجدید نظر در نظم موجود بین‌المللی است. البته چین معتقد است این تجدید ساختار، به معنای تضعیف آمریکا نیست، بلکه نوعی مشارکت جهانی است که به کشورهای در حال توسعه قدرت می‌بخشد (Sarvari and Szeidoritz, 2018: 131).

۱. همکاری سیاسی و اقتصادی چین و ایران

از منظر چینی‌ها ابتکار راه ابریشم جدید، ماهیتی فراگیر و مبتنی بر همزیستی دارد و در قالب الگوی جدیدی از همکاری چندجانبه با تکیه بر اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد، نظیر؛ احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی سایر کشورها، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، برابری و منافع متقابل و همزیستی مسالمت آمیز بنیان شده است. به اعتقاد رهبران چین هماهنگ سازی برنامه‌های توسعه و ترویج اقدامات مشترک بین کشورها و همکاری گسترده منطقه‌ای برای دستیابی به صلح و ثبات و سود متقابل به استانداردهای بالایی نیازمند است که مشارکت گسترده‌ای را می‌طلبد. به همین خاطر این کشور در چشم انداز ترسیمی خود مولفه‌هایی را در نظر گرفته تا به دنبال آن همگرایی با کشورهای واقع در مسیر را تقویت نماید.

ایران از دیرباز به سبب سوق الجیشی بودن در میان قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا، محل تلاقی فرهنگ‌ها، زبان‌ها، ادیان، داد و ستد بود و متأثر از آن عنوان حلقه اصلی و واسطه راه ابریشم و همچنین تامین کننده بخش مهمی از کالاهای تجاری این مسیر باستانی بود (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۲). این جایگاه ویژه سبب شد تا بار دیگر چین در احیای راه ابریشم جدید به نقش ایران به عنوان یکی از شرکای مهم در این ابتکار از دو بعد سیاسی و اقتصادی تاکید داشته باشد که در ادامه با توجه به حوزه‌های هفت گانه همکاری در طرح راه ابریشم به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۴. ارتباطات سیاسی

چین با پایان جنگ سرد و تغییر در قطب بندی جهانی قدرت نقش فعالانه‌تری را در عرصه بین‌الملل ایفا نمود که آغازگر مرحله جدیدی از دیپلماسی آن بود. این مسئله با به قدرت رسیدن شی جین پینگ به عنوان نمادی از نسل پنجم رهبران چین که سیاست خارجی فعالی با هدف مفصل-بندی نوین در پیش گرفت به اوج خود رسید (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخواه، ۱۳۹۶: ۱۸). وی چشم‌انداز خود را با توجه به مدل رویای چینی که شامل جوان سازی بزرگ ملت چین بود، با هدف بازبایی مشروعیت ایدئولوژیک و افزایش اعتماد به نفس جهانی در استراتژی راه ابریشم دنبال نمود. ابتکار کمربند-راه و رویای چینی به موازات هم در عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی چین

قرار گرفته‌اند و متضمن شکوفایی اقتصادی، بازسازی ملی، شادی مردم و هماهنگی اجتماعی است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۱). چین در این ابتکار با ایجاد جامعه سرنوشت مشترک، اعمال سیاست‌های دوستانه و بهبود مناطق فقیر نشین و افزایش ارتباطات سیاسی و اقتصادی در قالب همکاری برد-برد ضمن افزایش متحدین، یک محیط امن داخلی و خارجی با ثباتی را برای حفظ منافع و مشروعیت سیستم سیاسی خود در راستای تقویت قدرت نرم دنبال می‌کند.

گستره همکاری ایران و چین نه تنها در ابعاد اقتصادی بلکه به حوزه سیاسی-امنیتی نیز تسری یافت. در ارتباط با جهت دهی روابط سیاسی-راهبردی دو کشور، آمریکا به عنوان بازیگر پر قدرت در عرصه بین‌الملل نقش محوری داشته است. چین در قبال برنامه هسته‌ای ایران با در پیش گرفتن یک موضع محتاطانه سیاست دوگانه‌ای را پیاده سازی نمود. از یک سو، در شورای امنیت در قالب همکاری با آمریکا به قطعنامه‌های تحریمی علیه فعالیت هسته‌ای ایران رای داد و از طرف دیگر، با تعدیل برخی از مفاد آنها تلاش کرد از شدت فشار بر ایران بکاهد و روابط دوستانه با این کشور را حفظ کند (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۳). علت این امر را می‌توان در این مسئله یافت که قطعنامه‌های صادر شده نباید به منافع مشترک دو کشور در حوزه انرژی خلیج ایجاد کند. در واقع اتخاذ رویکرد نگاه به شرق هنگامی مورد توجه سیاست‌گذاران ایرانی قرار گرفت که با افزایش فشار از سوی کشورهای غربی به دنبال نوعی توازن در برابر سلطه هژمونی آنها بودند.

این رویکرد به نحوی در تسهیل همکاری‌های راهبردی و استراتژیک دو کشور مهم تلقی می‌شود. چین در چارچوب ابتکار عمل خود به دنبال نوعی تغییر در سیاست‌های اقتصادی و راهبردی-امنیتی است تا نرخ رشد اقتصادی خود را افزایش دهد (آقایی و قهرمانی، ۱۳۹۸: ۳۰۳). ایران با برخورداری از توانمندی‌های راهبردی و بازیگری مهم و پرنفوذ در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای می‌تواند پاسخگوی نیازهای راهبردی و دفاعی-امنیتی چین در ابتکار کمربند-راه باشد.

به لحاظ امنیتی چین و ایران نسبت به استراتژی دفاعی آمریکا در مناطق تحت نفوذ خود مخالف هستند. از نظر چین ایران یک شریک بالقوه برای تحقق راهبرد محدود کردن نفوذ آمریکا در غرب آسیا و خلیج فارس است (فلاحی و امید، ۱۳۹۹: ۵۴۶). به همین خاطر پکن در تلاش است با ایجاد مانورها و اتحاد دریایی با ایران از افزایش حضور نظامی و سیاسی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس جلوگیری کند. برای نمونه می‌توان به تمرین نظامی مشترک ایران، چین و روسیه در دسامبر ۲۰۱۷ در دریای عمان اشاره کرد. عملیات فوق از اولین

تمرینات نظامی مشترک پس از انقلاب اسلامی ایران بود (Chen, 2020: 37).

به نظر می‌رسد این مسئله از نقاط مشترک در روابط راهبردی دو کشور بوده است که نوعی وابستگی راهبردی را میان طرفین در ابتکار کمربند-راه ایجاد می‌کند. ایران با چالش‌های متعدد منطقه‌ای رو به رو است و تلاش دارد حوزه نفوذ خود را همزمان افزایش و یا تثبیت کند. لذا، به یک هم پیمان خوش سابقه برای ارتقا ظرفیت‌های بازدارندگی و ایجاد توازن منطقه‌ای نیاز دارد و از سوی دیگر چین نیز در محاسبات کلان و استراتژیک خود به نحوی دیگر به ایران نیازمند است (رضایی و وثوقی، ۱۳۹۵: ۹۹).

در ارتباط با ابعاد سیاسی این پروژه نیز طرفین به افزایش همکاری در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و مقابله با تروریسم تاکید کرده‌اند. از نهادهای مهم منطقه‌ای می‌توان به سازمان همکاری شانگهای اشاره نمود. این سازمان اهدافی مانند امنیت منطقه‌ای، قاچاق مواد مخدر و مقابله با تروریسم را دنبال می‌کند که با منافع ایران سازگاری دارد (جانسیز و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۱۱۰). زیرا سیاست دفاعی ایران در مقابله با شرایط بی‌ثبات کننده ناشی از این مسائل بر تولید امنیت استوار است (امینی و غلامی، ۱۳۹۹: ۲۲۷). ضمن اینکه ایران می‌تواند نقش امنیتی سازنده‌ای را در ابتکار عمل چینی که در برخی مناطق به ویژه خاورمیانه با پدیده تروریسم مواجه است ایفا کند. در واقع نفوذ داعش در خاورمیانه و خصوصا افغانستان و به طبع آن آسیای مرکزی خوشایند چین نبوده و کلید جلوگیری از این اتفاق در دستان ایران است (اختیاری امیری و صالحی خنار، ۱۳۹۶: ۴۷). همکاری ایران و چین در چارچوب ابتکار راه ابریشم می‌تواند فرصت مناسبی برای پیوستن و عضویت دائم ایران در این سازمان را فراهم کند.

۲-۴. اتصالات زیر ساختی

زیرساخت‌ها به عنوان یک عامل مهم در دستیابی به توسعه از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. در عصر حاضر قدرت های بزرگ برای دستیابی به منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود سرمایه گذاری گسترده ای را در زمینه زیرساخت های حمل و نقل، انرژی و جاده انجام داده اند. رهبر چین در سال ۲۰۱۳ به طور قاطعانه دیدگاه خود را در حمایت از راه ابریشم به رهبری خود در جهت تجارت خارجی، تامین منابع انرژی پایدار و ترویج توسعه زیرساخت های آسیایی اعلام داشت (Mcbride, 2015: 1). از آن جایی که زیرساخت‌ها با توجه به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی کشورها عامل مهمی در دستیابی به توسعه هستند، چین مشتاق است از طریق ابتکار فوق و تمرکز بر اقدامات زیربنایی، کربدور زمینی و دریایی را با اتصال به کشورهای اوراسیایی تعمیق بخشد. محور دیگر این ابتکار ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل به سوی اروپا در نظر گرفته شده است. چین به دنبال دستیابی به بازارهای

نوظهور و متنوع است. از آن جایی که اتصال بازارها به رشد اقتصاد جهانی کمک می‌کند منجر به نیاز این کشور به بازارهای اروپایی شده است که در چشم انداز بلندپروازانه شی جین پینگ به عنوان بخشی از سیاست همسایگی بزرگ چین محسوب می‌شود (Fallon, 2015: 140).

مطابق با بحث توسعه زیرساخت، تهران و پکن متعهد شدند از توسعه زیرساخت برای ادامه روابط راهبردی و پایدار بهره‌برند. با توجه به نیاز گسترده ایران در حوزه زیرساخت حمل و نقل و انرژی و توانمندی فزاینده شرکت‌های چینی در این حوزه، منافع مشترک بالقوه‌ای را میان دو کشور به وجود آورده که می‌تواند در چارچوب ابتکار کمربندراه محقق شود (شریعتی‌نیا و عزیزی، ۱۳۹۶: ۱۷). پکن در راستای ابرپروژه اقتصادی خود با ایجاد بانک توسعه زیرساخت آسیایی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت کشورهای واقع در مسیر راه ابریشم به دنبال افزایش تجارت با آن‌ها برای توسعه اقتصادی خود است. به همین جهت جمهوری اسلامی ایران گزینه مناسبی برای این کشور است. ایران در میان کشورهای غرب آسیا و آسیای میانه از زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی قابل قبولی در دسترسی چین به بازارهای اروپا برخوردار است. از پروژه‌های چینی در ایران می‌توان به راه‌آهن سریع‌السریر تهران-قم-اصفهان اشاره نمود هرچند پروژه فوق‌نهایی نشده است. به طور کل ابتکار کمربند و راه ابریشم بستر مناسبی را در پیشبرد سیاست‌های مواصلاتی و برنامه توسعه‌ای کشور که نیازمند توانایی مالی و سرمایه‌گذاری خارجی است ایجاد می‌کند.

در بحث ترانزیت ایران به دلیل قرارگیری در مسیر کریدورهای بین‌المللی و چهار راه ارتباطی شمال-جنوب و شرق-غرب به یکی از شریان‌های اصلی در ابتکار عمل چینی تحت عنوان کریدور اقتصادی چین-آسیای مرکزی و آسیای غربی محسوب می‌شود. این کریدور از آن جهت که به عنوان پل ارتباطی با خاورمیانه عمل می‌کند و دسترسی به منابع انرژی در این منطقه و خلیج فارس و بازارهای متنوع اروپایی را تسهیل می‌نماید، برای این کشور حائز اهمیت تلقی می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳). در همین خصوص ایران نیز افزایش اتصالات راهبردی در حوزه شبکه‌های ریلی و جاده‌ای با کشورهای همسایه و آسیای مرکزی را در دستور کار خود قرار داده است که می‌توان به مسیر ریلی چین-قزاقستان-ترکمنستان-ایران (اینچه برون) اشاره کرد. توافقی سه جانبه‌ای نیز میان ایران، ترکیه و پاکستان در حوزه حمل و نقل ریلی منعقد گردید که به ارتقای تجارت بین چین و اروپا کمک می‌کند. با عملیاتی شدن طرح فوق‌علاوه بر تقویت روابط ایران و پاکستان، نقش ایران را در کریدور اقتصادی چین و پاکستان مستحکم می‌کند و حضور آن را در کریدور غرب آسیا بیشتر می‌کند. در واقع مسیر ریلی ایران برای چین به دلیل بهبود شبکه‌های ترابری در مناطق غربی (سین کیانگ) و رشد اقتصادی آن، دسترسی به اروپای جنوبی و

کشورهای حوزه مدیترانه، دسترسی به کشورهای جدید در طول مسیر، دسترسی به کشورهای حوزه خلیج فارس دارای اهمیت است (سپاهی، ۱۳۹۴: ۵).

۳-۴. امنیت انرژی

رشد شتابان اقتصادی چین باعث شد این کشور در جستجوی منابع انرژی تامین امنیت آن باشد. چرا که هرگونه اختلال در جریان انرژی می‌تواند با ایجاد مشکلات جدید در مسیر توسعه اقتصادی چین، بر امنیت ملی آن تاثیر منفی برجای گذارد (سلطانی، لزرسانی و ره گوی، ۱۳۹۰: ۲۰۵). لذا این مسئله با توجه به وابستگی چین به واردات نفت و تامین امنیت انرژی نگرانی‌هایی را برای این کشور ایجاد نموده است. چین در پرتو ابتکار راه ابریشم با تسهیل وابستگی اقتصادی و منافع متقابل به دنبال تقویت دیپلماسی انرژی خود است (وکیلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۸). در واقع، هدف این طرح در سند چشم انداز رسمی چین تقویت پیوند ها با زیر ساخت های انرژی، همکاری در جهت افزایش امنیت خطوط نفت و گاز و ایجاد شبکه های حمل و نقل جدید با همکاری کشورهای منطقه بیان شده است (میر ترابی و ترکی، ۱۳۹۸: ۲۱۹). به اعتقاد چین کشورهایی که در این مسیر واقع شده‌اند دارای منابع غنی انرژی هستند، اما به لحاظ توسعه و رشد اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند و با سرمایه گذاری در این کشورها می‌توان به توسعه اقتصادی و تجاری آن‌ها کمک کرد. از این حیث، ایران به عنوان کشور غنی در زمینه انرژی و نفوذ در مناطق نفت خیز خاورمیانه و خلیج فارس شریک مطمئن در تحقق اهداف پکن در طرح مذکور محسوب می‌شود.

۴-۴. تسهیل تجارت

تجارت بدون محدودیت یکی از مهم‌ترین ابعاد ابتکار عمل است و چین با تمرکز بر آن به دنبال کاهش موانع و تسهیل جریان سرمایه‌گذاری، تولید محصولات بازاری و توسعه مناطق مرزی خود است (Clarke, 2017: 10). این امر با اعمال تجارت و پشتیبانی از صنایع مازاد در فروش کالاهای بیشتر محقق می‌شود و به طور مستقیم رشد چین را با حمایت از توسعه کشورهای درگیر در پروژه از طریق ارائه کمک، سرمایه‌گذاری، وام و بازارهای جدید افزایش می‌دهد (Blanchard and Flint, 2017: 229). به بیان دیگر، چین در صدد است از این طریق به افزایش حجم مبادلات، همکاری‌های اقتصادی و گسترش ارتباطات تجاری در بین کشورهای واقع در مسیر دست یابد. قرار گیری در حساس ترین موقعیت ژئوپلتیکی مزیت نسبی را برای ایران پدید آورده است، چرا که موقعیت ژئوپلتیکی به

عنوان یکی از شاخص‌های مزیت نسبی در تولید و انتقال ذخایر اقتصادی محسوب می‌شود (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در محور شمال و جنوب دو عرصه آب و خشکی را به هم متصل می‌نماید و در مسیر عمومی با قاره‌های اروپا، آسیا و اقیانوسیه به ویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی پیوند دارد (کامران و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶). از نظر چین همکاری با ایران متاثر از جایگاه و تعامل موثر در حوزه آسیای مرکزی و خلیج فارس می‌تواند برای این کشور با نیل به اهداف طرح مقرون به صرفه باشد. از سوی دیگر به کشورهای این مناطق گوشزد می‌کند که دسترسی به بخش مهمی از جهان از طریق مسیرهای زمینی، دریایی و هوایی نیازمند سیاستگذاری همگرایانه است و نمی‌توان نقش ایران را نادیده گرفت (زرقانی و اسکندران، ۱۳۹۵: ۱۱۳). به این ترتیب این موقعیت جغرافیایی ممتاز سبب گشت تا چین در ابتکار راه ابریشم، ایران را به عنوان هسته اصلی در کمربند اقتصادی مدنظر قرار دهد (رضاپور و سیمبر، ۱۳۹۸: ۱۶۷).

۴-۵. همگرایی مالی

همگرایی مالی یکی از زیربناهای مهم در اجرای این پروژه است که منجر به درهم تنیدگی کشورها در اقتصاد جهانی می‌شود. چین در صدد است از طریق همگرایی مالی، ایجاد نظام پولی با ثبات، همکاری در زمینه مقررات مالی و تفاهم نامه همکاری دو جانبه و چند جانبه به رشد و توسعه اقتصادی کشورهای واقع در مسیر کمک نماید. به همین منظور در راستای تحقق ابتکار کمربند-راه موسسات مالی نظیر صندوق راه ابریشم^۱، بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا^۲ در نظر گرفته است. توسعه این ساختارها می‌تواند در آینده نزدیک یوان چین را به ارز بسیار معتبر در سطح جهانی تبدیل می‌کند (جمشیدی و خاتمی، ۱۳۹۹: ۱۶). این مسئله سبب نگرانی‌هایی از سوی کشورهای غربی شده است. به گفته وانگ ویسینگ^۳ بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا و صندوق راه ابریشم می‌تواند تهدیدی برای ایالات متحده در رابطه با حفظ نفوذ در آسیای مرکزی و تضعیف ابتکار راه ابریشم دولت اواما باشد (Wuthnow, 2017: 18). در این میان، ایران به عنوان یکی از اعضای اصلی موسس بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا محسوب می‌شود و چین به طور جدی خواستار مشارکت تهران در طرح کمربند اقتصادی راه ابریشم

۱. INSF

۲. Asian Infrastructure Investment Bank

۳. Wang Weixing

است (خداقلی‌پور، ۱۳۹۶: ۳۹). در واقع این فرصت یک مکانیزم ارزی در همکاری بانکی و مبادلات تجاری ایران و چین، که با توجه به اثرات تحریم با نوساناتی مواجه بوده را تسهیل و فصل جدیدی از همکاری مالی میان دو کشور را ایجاد می‌کند.

۴-۶. تقویت پیوندهای فرهنگی و گسترش توریسم

رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ، صلح و همکاری، یادگیری و منافع متقابل را روح راه‌بریشم می‌داند. این پروژه فضای مناسبی را برای مراودات فرهنگی در میان کشورها فراهم می‌کند. لذا، چین اقداماتی را در جهت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه آموزش، علم و فناوری، فرهنگ، ورزش، گردشگری، حفاظت از محیط زیست، سلامت و بهداشت مورد توجه قرار می‌دهد (OECD Busines and Finance Outlook 2018: 3). ایران و چین با تاکید بر مبادلات فرهنگی، همکاری در این سطح را به عنوان نقاط قوتی در روابط خود مد نظر قرار می‌دهند. لذا ایران با بهره‌گیری از این ابتکار علاوه بر معرفی فرهنگ خود می‌تواند به گسترش زبان و ادبیات فارسی، افزایش تعاملات دانشگاهی و قربات فرهنگ خود با سایر فرهنگ‌های واقع در مسیر کمک نماید.

۴-۷. مشارکت جامع استراتژیک

یکی از شاخص‌های عینی متأثر از نگاه راهبردی چین به ایران در چارچوب راه‌بریشم را می‌توان موضوع قرار داد ۲۵ ساله این کشور و ایران دانست. ایده همکاری ایران در ابتکار کمربند-راه در سفر رسمی شی جین‌پینگ به تهران در سال ۱۳۹۴ مطرح گشت. طی این دیدار مقامات دو کشور توافقنامه ۲۵ ساله‌ای را در قالب مشارکت جامع راهبردی ایران و چین منعقد نمودند که در راستای آن متعهد شدند همکاری و سرمایه‌گذاری متقابلی را در حوزه‌ها مختلف گسترش دهند (مجموعه گزارش‌های راهبردی، ۱۳۹۶: ۱۷). سرانجام این سند راهبردی به عنوان گامی مهم در تعمیق روابط همه‌جانبه ایران و چین در هفت فروردین ۱۴۰۰ به امضای وزرای خارجه دو کشور رسید. به نظر می‌رسد با توافق ۲۵ ساله دو کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در قالب همکاری جامع، این شراکت راهبردی در پیشبرد مناسبات دو کشور و به ویژه در حوزه انرژی بیش از پیش ارتقا یابد و در صورت سیاست‌گذاری مناسب ایران نقش آن در تامین انرژی آینده چین برجسته‌تر از امروز خواهد بود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴). البته با توجه به نبود شفافیت کامل در مورد جزئیات این قرار داد نمی‌توان به ابعاد و نقاط قوت و ضعف آن پرداخت. لذا انتظار می‌رود ایران با مدیریت صحیح و کارآمد در پرتو این همکاری، فرصت‌های نهفته در آن را شناسایی نماید و در راستای این فرصت پیش آمده جایگاه خود را در قالب وابستگی متقابل متقارن برای

نقش آفرینی در اقتصاد جهانی پیدا کند.

۵. چالش‌های پیش روی همکاری ایران در ابتکار راه ابریشم جدید چین

ظرفیت تاثیرگذار ایران اعم از منابع نفتی و گازی، موقعیت ترانزیتی، تامین امنیت انرژی برای متحدین، جایگاه برتر منطقه‌ای، فرصت‌های خوبی برای حضور ایران در ابتکار کمربند-راه فراهم نموده است. با این حال ایران در عرصه سیاست خارجی با چالش‌هایی در سطح داخلی و خارجی مواجه است که در صورت مرتفع نساختن این چالش‌ها، فرصت‌های ایجاد شده و منافع حاصل از آن را از دست خواهد داد. بدین منظور، در ادامه به برخی از چالش‌ها اشاره می‌شود:

۱-۵. چالش‌های داخلی

مهمترین گام در تبیین فرایندهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی کشورها بررسی برنامه‌ها، راهبردها و رویکردهایی است که در سیاست خارجی در پیش می‌گیرند. در حقیقت سیاست خارجی کشورها تحت تاثیر عوامل داخلی و خارجی به الگوهای رفتاری شکل داده که میزان تضاد و یا انطباق این راهبرد ها می‌تواند به تغییر الگویی با ثبات روابط را شکل دهد (ارغوانی پیر سلامی، ۱۳۹۴: ۶۶). موقعیت خاص جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی ایران در طول زمان همواره نخبگان حاکم را بر آن داشته تا در بازی سیاست بین الملل منطق توازن سازی را برای حفظ منافع در پیش گیرند. سیاست نگاه به شرق یا غرب و یا نفی هر دو، رویکرد‌هایی هستند که بعضاً در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفته اند و یا جایگزین یکدیگر شده اند (سازمند و ارغوانی پیر سلامی، ۱۳۹۲: ۹۷).

تفاوت نگرش‌ها، ملاحظات جناحی، عدم انسجام و اجماع نظر در سیاست خارجی ایران سبب گشته است تا نخبگان کشور به درستی نتوانند تفسیر و درک صحیحی از مدل و مفروضات سیاست خارجی خود برای همگان عرضه نمایند. در بحث تفاوت در نوع نگاه احزاب و گروه‌ها در صحنه سیاست ایران، همان گونه که نسبت به سیاست داخلی، فرهنگ، اقتصاد و روند توسعه کشور رویکرد متفاوتی دارند، رهیافت و ایستارهای آنان نسبت به سیاست خارجی متفاوت و گاه متعارض است (جزینی زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۰). در واقع انتقال و طرح همزمان سه نوع نگاه موافق، مخالف و بیطرف در نوع همکاری ایران با طرح راه ابریشم چین به عرصه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری، امکان دستیابی به یک راهبرد مشخص مبتنی بر منافع متقابل ایران نسبت به چین را مخدوش می‌سازد. ضمن اینکه در همکاری میان طرفین چینی‌ها با آمادگی و نقشه راه منسجم می‌توانند از مزایای این همکاری بیشتر بهره‌برند.

۲-۵. چالش‌های خارجی

چالش‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران در ابتکار کمربند-راه در دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای قابل بررسی است؛

۱-۲-۵. سطح بین‌المللی

مسئله هسته‌ای ایران و خروج آمریکا از برجام به طبع پیامد‌های منفی ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برای ایران ایجاد کرده است که مهم‌ترین آن کاهش سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در زیرساخت‌های کشور به ویژه در حوزه انرژی است. این مسئله به نوبه خود چالش‌هایی را برای همکاری ایران در ابتکار کمربند-راه به همراه دارد. زیرا اهداف اصلی منطقه‌ای پکن در ابتکار کمربند-راه حفاظت از پروژه‌های زیربنایی در مناطق تحت نفوذ خود و دستیابی به یک منطقه پایدار برای حفاظت از زیرساخت‌های انرژی است. به همین خاطر مسئله هسته‌ای و تشدید تحریم‌های ایران، حضور آن را به عنوان یک منبع قابل اعتماد در حوزه اقتصادی و سیاسی برای چین کاهش می‌دهد. علاوه بر این موضوع، راهبرد کلان چین در عرصه سیاست خارجی بر پایه توسعه اقتصادی بنیان گرفته است. بر همین اساس گسترش سریع تجارت، نیاز به سرمایه‌گذاری و بازارهای فراوان چین را به توسعه هر چه بیشتر روابط با ایالات متحده ناگزیر کرده است. با توجه به حجم تجاری دو کشور با یکدیگر سیاست چین عمدتاً به پرهیز از تنش در روابط با آمریکا معطوف شده است (سازمند و ارغوانی پیر سلما، ۱۳۹۲: ۸۷).

۲-۲-۵. سطح منطقه‌ای

خاورمیانه از مناطق ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی مهم مورد توجه قدرت‌های بزرگ است. این منطقه با وجود آن که از حوزه‌های اصلی نفوذ ژئوپلیتیکی برای چین در نظر گرفته نمی‌شود، اما به تدریج بیش از هر زمان دیگری برای این کشور مهم قلمداد می‌شود. آشفتگی‌ها و اختلافات قومی-نژادی در خاورمیانه باعث بروز نگرانی‌هایی برای چین در پیشبرد طرح مذکور شده است. در حقیقت این مسئله با استراتژی توسعه‌ای چین که منوط به ثبات سیاسی و حل و فصل تعارضات از طریق مذاکره، گفتگو و ترویج قاطعانه صلح و توسعه اقتصادی ذیل ابتکار راه‌بریشم مغایرت دارد (Chaziza, 2019: 28). در صورتی که پکن تصمیم به افزایش حضور امنیتی در منطقه داشته باشد با محدودیت‌های شدید و خطراتی مواجه خواهد شد. زیرا رد پای کلی چین در امنیت جهانی انتخابی و تدریجی است و نقش آن به عنوان یک بازیگر

جهانی با تاکید دائمی بر حاکمیت و عدم مداخله و همچنین ثبات دائمی در زمینه امنیت ملی ایجاد شده است (Yang, 2018 : 29). به همین خاطر حضور چین در مناطق بحران زا و پر تنش به علت حفاظت از منافع خود در مناطق تحت نفوذ و حفاظت از شهروندان و کارگران چینی از اصل انتخابی به یک اصل ضروری به عنوان یک قدرت نوظهور تبدیل می شود که این نقش زمینه ساز چالش هایی برای پکن است.

مسیر های اصلی در ابتکار کمربند-راه از مناطق درگیر در آسیای مرکزی و خاورمیانه عبور می کنند. همواره این نگرانی از سوی چین وجود دارد که در مناقشات و اختلاف منطقه ای ایران درگیر شود، که اگر چنین باشد پکن نمی تواند استراتژی سستی خود مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی شرکای خود از جمله ایران را به کار گیرد (Osiewicz, 2018, 229). مهمترین آن تنش های منطقه ای میان ایران و عربستان است که در سال های اخیر از تنش های مذهبی به تنش های ژئوپلیتیکی تسری یافته است (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰). از دیگر چالش های منطقه ای چین در همکاری ایران در ابتکار کمربند-راه، می توان به متحدان منطقه ای امریکا در منطقه خلیج فارس اشاره کرد که به عنوان اهرم فشاری برای چین نسبت به کاهش حمایت و کاهش تقویت روابط استراتژیک ایران و چین عمل می کند، زیرا این کشورها روابط اقتصادی و تجاری گسترده ای با چین نسبت به ایران دارند.

نتیجه گیری

ابتکار کمربند-راه برنامه تجاری و اقتصادی مدرن با تکیه بر توسعه شبکه های ارتباطی نظیر زیر ساخت و شبکه های حمل و نقل در فراسوی قاره های آسیا، اروپا و آفریقا با هدف تسهیل در دستیابی به بازارهای این مناطق است. چین در راستای تبدیل شدن به هژمون جهانی با ایجاد پیوند و وابستگی متقابل اقتصادی و سیاسی با کشورهای دیگر در صدد است به عظمت جایگاه گذشته خود دست یابد. همکاری ایران و چین در ابتکار راه ابریشم به ویژه توافق دو کشور در قالب برنامه جامع ۲۵ ساله بر این قاعده استوار است.

روابط اقتصادی دو کشور به لطف موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی، منابع انرژی، حمل و نقل، مسیرهای ترانزیتی ایران فرصت سود آوری را برای چین ایجاد کرده است. شرایط فوق فرصت مناسبی نیز برای ایران به وجود آورده تا از سرمایه گذاری گسترده پکن در این پروژه برای رفع خلاهای موجود در زمینه زیر ساخت انرژی و حمل و نقل بهره برده و به عنوان یک قطب تجاری

تاریخی در منطقه ظاهر شود. هر چند ایران نیز در صورت اتخاذ راهبرد مشخص می‌تواند از مزایای این طرح استفاده کرده و پیامدهای منفی آن را نیز مدیریت کند. در واقع نهایت تلاش ایران این خواهد بود که بتواند یک همکاری مبتنی بر وابستگی متقابل اقتصادی متقارن را میان طرفین ایجاد کند. البته لازم به ذکر است، در صورت نبود شفافیت و مدیریت و استراتژی مناسب در شیوه همکاری ایران با چین، ماهیت این طرح از سطح وابستگی متقابل متقارن و متوازن به وابستگی متقابل نامتقارن و نامتوازن در راستای منافع ملی چین تبدیل می‌شود.

کتابنامه

- احمدی، حمید؛ برزگر، کیهان و صفری، فرزانه (۱۳۹۹). «ایران و محور چین-روسیه در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۶، شماره ۱۰۹، بهار، صص ۱۳۸-۱۰۳.
- احمدیان، قدرت و الفتی، آزاده و رستمی، فرزاد (۱۳۹۹)، «دکترین مسئولیت حمایت شورای امنیت در بحران یمن و سازوکارهای قدرت در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار، ۹-۴۱.
- اختیاری امیری، رضا و صالحی خنار، محبوبه (۱۳۹۶). «بررسی علل و زمینه های گسترش روابط ایران و چین در عصر پسا برجام»، دو فصلنامه سیاست و روابط بین الملل، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۵۱-۳۳.
- ارغوانی پیر سلامی، فریبرز (۱۳۹۴). «چین و ایران: راهبرد های سیاست خارجی و چالش های همکاری فراگیر»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره سوم، پاییز، ۶۳-۹۲.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و پیرانخواه، سحر (۱۳۹۶). «جاده ابریشم نوین به مثابه راهبرد سیاست خارجی چین: فرصت ها و تهدید ها برای ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۹، شماره ۳، پاییز، صص ۴۲-۷.
- امینی، جواد و غلامی، عباس (۱۳۹۹). «تحلیل سیاستی بر دیپلماسی دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری خلق چین»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دوره ۱۸، شماره ۸۱، پاییز، صص ۲۴۲-۲۱۹.
- آدمی، علی (۱۳۸۹). «تاثیرانرژی برگسترش همکاری های ایران با شبه قاره (باتاکید بر خطوط لوله صلح)»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۸-۷.
- آقایی، داوود و قهرمانی، محمد جواد (۱۳۹۸). «رویکرد چین به سازمان همکاری شانگهای در پرتو سیاست خارجی نوین این کشور (سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸)»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۳۰۷-۲۹۱.
- جانسیز، احمد و پیر محمدی، سعید (۱۳۹۸). «تحلیل الگوی همکاری استراتژیک در روابط جمهوری اسلامی ایران و چین»، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره ۸، شماره ۴، زمستان، صص ۱۲۰-۹۳.

- جزینی زاده، اکرم؛ شیخ زاده جوشانی، صدیقه و کمالی، یحیی (۱۳۹۷). «جناح گرایی و تاثیر آن بر فرآیند تصمیم گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸ شماره ۲۸، پاییز، ۲۲۹-۲۴۸.
- جمشیدی، محمد و خاتمی، حسام (۱۳۹۹). «نقش ابتکار یک کمربند-یک راه در نظم نوین اقتصادی چین»، فصلنامه سیاست، دوره ۵۰، شماره ۱، بهار، صص ۲۰-۱
- حسینی، محمد جواد و سنائی، اردشیر (۱۳۹۸). «حضور اقتصادی چین در آفریقا و زمینه های بروز رقابت با آمریکا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، تابستان، صص ۱۴۶-۱۲۱
- خداقلی پور، علیرضا (۱۳۹۶). «ابتکار کمربند-راه چین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۱، شماره ۱، بهار، صص ۴۹-۱۷.
- دهقانی فیروز آبادی، جلال؛ آجیلی، هادی و اکبری، صادقی (۱۳۹۷). «بایسته های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۱، شماره ۴۳، پاییز، صص ۱۰۵-۷۳.
- رضاپور، دانیال و سیمبر، رضا (۱۳۹۷). «ابتکار جاده ابریشم نوین چین؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران، پاکستان و قزاقستان»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص ۱۸۶-۱۵۷.
- رضایی، مسعود و وثوقی، سعید (۱۳۹۵). «ابعاد و محدودیت های روابط نظامی ایران و چین پس از برجام»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی، سال هفتم، شماره ۳، بهار، صص ۱۲۱-۹۳.
- ریاحی، حکمت‌الله؛ یوسف جمالی، محمد کریم و بوشاسب گوشه، فیض اله (۱۳۹۸). «نقش راه ابریشم در تبادل فرهنگی و تجاری ایران و چین در دوره ساسانی»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۴، تابستان، صص ۱۱۱-۹۱.
- زرقانی، هادی و اسکندران، معصومه (۱۳۹۵). «یک جاده چند راهبرد، تحلیل اهداف و منافع بازیگران در احیای جاده ابریشم»، همایش بین‌المللی جاده ابریشم، صص ۱۱۶-۱۰۲.
- ژیانگ بو، سانگ و ز ژوانگ، وانگ (۱۳۹۸). «فعالیت های اقتصادی چین در ایران در چارچوب ابتکار کمربند و جاده: فرصت یا چالش؟»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۳، شماره ۱۱، زمستان، صص ۱۶۰-۱۴۷.

- سازمند، بهاره و ارغوانی پیر سلامی، فریریز (۱۳۹۲). «ایران، چین و چالش های فراروی همکاری های فراگیر»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۳، شماره ۳، پاییز، ۸۳-۱۰۴.
- سیاهی، عبدالله (۱۳۹۴). «تحلیل پتانسیل های صنعت ترانزیت ریلی بار از جمهوری اسلامی ایران»، کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع، صص ۱-۱۶.
- سجادپور، محمد کاظم و پور قربان نیایی، آسیه (۱۳۹۷). «چین و افراط گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۳، پاییز، صص ۶۵-۹۹.
- سلطانی، علیرضا؛ درخشنده لزرجانی، مریم و ره گوی، محمد (۱۳۹۰). «جایگاه انرژی در سیاست خاورمیانه ای چین»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۱۹۷-۲۲۹.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۸). نظریه ها و تئوری های مختلف در روابط بین الملل فردی-جهانی شدن: مناسبت و کارآمدی، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- شریعتی نیا، محسن و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۶). «همکاری ایران و چین در کمربند اقتصادی جاده ابریشم»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۹، شماره ۴، زمستان، صص ۷-۲۹.
- شریعتی نیا، محسن (۱۳۹۹). «روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رماتیک به پیوند پایدار»، فصلنامه علمی رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره ۱۱، شماره ۳، بهار، صص ۹۵-۱۱۴.
- صالحی، مختار (۱۳۹۸). «ابتکار راه ابریشم جدید چین و راهبرد اتحادیه اروپا»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاسی، سال ۸، شماره ۳۰، پاییز، صص ۱۹۵-۲۲۵.
- فلاحی، احسان و امیدی، علی (۱۳۹۹). «تحلیل روابط دوجانبه چین و ایران در عرصه سیاست خارجی: شکاف بین انتظارات و واقعیات»، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، دوره ۱۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۵۳۷-۵۶۲.
- قوام، عبدالعلی و اعلائی، مهدی (۱۳۹۰). «ژئوپلیتیک هسته ای ایران در چارچوب نظریه وابستگی متقابل پیچیده»، فصلنامه رهیافت های سیاسی بین المللی، شماره بیست و شش، تابستان، صص ۹-۳۸.
- کامران، حسن؛ غلامی، بهادر؛ اسلام یاری؛ حسینی امیری، حسن و خالدی، حسین (۱۳۸۸). «جغرافیا و قدرت ملی ایران»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد سیزده، شماره ۱۶، بهار، صص ۵-۲۸.

مایلی، محمد رضا و مطیعی، مریم (۱۳۹۵). «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره ۹، شماره ۳۵، پاییز، صص ۱۸۹-۲۰۸.

مجموعه گزارش‌های راهبردی (۱۳۹۶). «طرح کمربند جاده‌ی چین؛ فرصت‌ها و چالش‌ها جمهوری اسلامی ایران»، اندیشکده راهبردی تبیین، اسفند، صص ۲۴-۴.

میرترابی، سعید و ترکی، هادی (۱۳۹۸). «ابتکار احیای جاده ابریشم چین در تکاپوی امنیت انرژی و توسعه صادرات»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۰۷-۲۳۲.

واعظ مهدوی، معصومه (۱۳۷۵). «تلاش برای تبیین نظام بین‌الملل: وابستگی متقابل یا وابستگی یک جانبه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۰، تابستان، صص ۱۱۰-۱۱۹.

وکیلی، بهنام و قربانی شیخ نشین، ارسلان و میرترابی، سعید (۱۳۹۸). «ابتکار یک کمربند و یک راه، نهادگرایی و دیپلماسی انرژی چینگ»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، زمستان، صص ۸۹-۷۰.

یزدانی، عنایت‌الله و امید، علی و شاه محمدی، پریرسا (۱۳۹۵). «ابتکار کمربند-راه: قوام نظریه هارتلند»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۶، زمستان، صص ۱۸۸-۱۶۳.

- Blanchard, Jean-Marc., F and Flint, Colin. (2017), the Geopolitics of china's Maritime Silk Road Initiative, Geopolitics, Vol 22, No 2, 223-245.
- Chen, Yang. (2020), The Middle Eastern Security Dilemma and Its Impact on Chinas Belt and Road Initiative, Belt & Road Initiative Quarterly, Vol 1, Issue 2, 37-47.
- Clarke, Michael. (2017), The belt and road initiative: China's new grand strategy?, Asia Policy, No 24, 71-79.
- Fallon, Theresa. (2015), The new silk road: xi jinxing's grand strategy for Eurasia, American Foreign Policy Interests, Vol 37, No 3, 140-147.
- Habova, Antonina. (2015), Silk Road economic belt: china's Marshall plan, pivot to Eurasia or china's way of foreign policy, KSI Transactions on Knowledge Society, Vol 8, No 1, 64-70.
- Leverett, Flynt., and Bingbing, Wu. (2017), The new Silk Road and China,s Evolving Grand strategy, The China journal, No77, 110-132.
- Nantulya, Paul. (March 22,2019). Implications for Africa from Chinas One Belt One Road, available at: <https://africacenter.org/spotlight/implications-for-africa-china-one-belt-one-road-strategy/>.
- Oecd Business and Finance Outlook. (2018), China's Belt and Road Initiative in the Global Trade, Investment and Finance Landscape, 3-44. available

- mat:<https://www.oecd.org/finance/Chinas-Belt-and-Road-Initiative-in-the-global-trade-investment-and-finance-landscape.pdf>.
- Rumi Aoyama. (2016) "One Belt, One Road": China's New Global Strategy, *Journal of Contemporary East Asia Studies*, 3-22.
- Sarvari, Balazs., and Szeidoritz, Anna. (2018), Political Economic of the New Silk Road, *The Belt& Road Initiative in the Global Arena*, *Baltic Journal of European Studies*, Vol 6, No 1, 117-140.
- Swaine, Michael. D. (2015) Chinese views and commentary on the 'One Belt, One Road' initiative, *China Leadership Monitor*, Vol 47, No 2,1-24.
- Wuthnow, Joel. (2017). Chinese perspectives on the Belt and Road Initiative: Strategic Rationales, Risks, and Implications, Washington: national defense university press, no.12, at: <https://inss.ndu.edu/Portals/68/Documents/stratperspective/china/ChinaPerspectives-12.pdf>.
- Yang, Jian (2010), Chinas Security Challenge: priorities and policy implications. *Asia Pacific Countries Security outlook and Its Implications for the Defense Sector*, 141-159.
- Chaziza, Mordechai. (2019). Chinas Economic Diplomacy Approach in the Middle East Conflict. *China report*, Vol55, Issue 1. 24-39.
- Osiewicz, Przemysław. (2018). The Belt and Road Initiative (BRI): Implications for Iran-China Relations. *Strategic Review*, (11), 221-232. <https://doi.org/10.14746/ps.2018.1.16>.
- Yang, Hai. (2018). Time to up the game? Middle Eastern Security and Chinas Strategic Involvement. *Asia-Europe Journal*. Volume 16, No 3.283-296.